

The Role of Linguistic Functions in Explaining the Social-Educational Concepts of Surah Al-Hujurat based on Roman Jacobsen's Communication Model

Masoud Eghbali ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Exegesis, University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Qom, Iran

KEYWORDS

Surah Al-Hujurat, Jacobsen, communication model, linguistic functions

Received: 27 November 2022;

Accepted: 21 January 2023

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.23452234.1401.10.2.5.6

ABSTRACT

Surah Al-Hujurat outlines a precise and coherent process of institutionalizing moral and educational values, explained for humans to achieve excellence and perfection. This surah, which is known as the most ethical surah of the Holy Qur'an, has used various communication patterns to convey the intended message to the audience. The present research, while analyzing the linguistic roles and communication elements, based on Jacobsen's model of verbal communication, has investigated the different functions of these roles in Surah Al-Hujurat. This research aimed to illuminate the influence of language roles on the audience and the frequency of each of them, and to identify various communication effects based on the meaning of the ayahs of this surah. The results show that linguistic functions are an efficient tool for understanding the message of the Qur'anic ayahs and a suitable way of planning communication patterns to influence the audience as much as possible. According to Jacobsen's communication model, the highest frequency of linguistic functions in Surah Al-Hujurat is related to emotive function in 13 ayahs and the lowest frequency is in conative function that appeared in three ayahs. In addition, the phatic function cannot be ignored in this surah, because God, as the sender of the message, has explained many educational and social concepts to the audience by using different verbs of command and prohibition.

* Corresponding author.

E-mail address: eghbali@quran.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





کارکرد نقش‌های زبانی در تبیین مفاهیم تربیتی - اجتماعی سوره حجرات، با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن

مسعود اقبالی^{الف*}

استادیار، گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
سوره حجرات، یاکوبسن، الگوی ارتباطی، نقش‌های زبانی	خطوط کلی سوره حجرات، ترسیم‌گر فرایندی دقیق و منسجم در نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و تربیتی است که جهت دستیابی بشر به تعالی و کمال تبیین شده است. این سوره که به عنوان اخلاقی‌ترین سوره قرآن کریم شناخته می‌شود، از الگوهای متنوع ارتباطی در القای پیام مورد نظر به مخاطب بهره برده است که در این جستار، با رویکردی بر نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن، به تبیین جلوه‌هایی از اعجاز بیانی قرآن کریم در تجسم مفاهیم تربیتی و اجتماعی پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر ضمن تحلیل نقش‌های زبانی و عناصر ارتباطی، بر اساس الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، به بازکاوی کارکردهای متفاوت این نقش‌ها در سوره حجرات پرداخته است. میزان تأثیر نقش‌های زبانی بر مخاطبان و بسامد هر کدام از آنها، شناسایی جلوه‌های متنوع ارتباطی بر اساس مفهوم آیات این سوره، از اهداف این پژوهش است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد نقش‌های زبانی، ابزاری کارآمد برای درک پیام آیات قرآنی و شیوه‌ای مناسب در طرح‌ریزی الگوهای ارتباطی، برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مخاطبان به شمار می‌رود. بیشترین بسامد نقش‌های زبانی در سوره حجرات، بر اساس الگوی ارتباطی یاکوبسن، مربوط به نقش «عاطفی» در ۱۳ آیه و کمترین بسامد نیز در نقش «همدلی» در ۳ آیه است. همچنین نمی‌توان نقش «ترغیبی» آیات این سوره را نادیده انگاشت؛ چرا که خداوند به عنوان فرستنده پیام، با استفاده از افعال متعدد امر و نهی، مفاهیم متعدد تربیتی و اجتماعی را برای مخاطبان تبیین نموده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

دریافت مفاهیم آیات قرآنی و دستیابی به تفسیری دقیق، مستلزم اهتمام ویژه به همه جوانب زبانی، سیاق آیات و بافت منحصر به فرد موجود در ساختار قرآن کریم است. امروزه با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین در کشف لایه‌های مفهومی آیات قرآنی، از جمله رویکرد جدید معناشناسی، نظریات حوزه نقد و بررسی ترجمه‌ها و نیز الگوهایی که ساختار جملات و عبارات یک متن ادبی را از جنبه‌های مختلف کلامی و زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌توان به فهم دقیق‌تری از مفهوم مورد نظر قرآن کریم دست یافت. از جمله شیوه‌هایی که در فهم معنای مقصود آیات و درک لایه‌های مفهومی قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد، تجزیه و تحلیل آیات بر مبنای مدل ارتباطی میان گوینده کلام وحی (خداوند) و دریافت‌کنندگان پیام آیات است؛ بدین معنا که عبارات و جملات به کار رفته در گفتمان قرآنی، حامل چه نوع پیامی برای مخاطب است و حیطة‌بندی نوع خطاب‌های قرآنی و بهره‌گیری از ساختارهای خاص زبانی، چگونه پیام مورد نظر را به مخاطب القا می‌کند.

پژوهش حاضر درصدد است تا در واکاوی مفاهیم تربیتی و اجتماعی سوره حجرات، با بهره‌گیری از نظریه الگوی

* نویسنده مسئول

ارتباطی یاکوبسن به کارکرد خاص نقش‌های زبانی در گفتمان آیات، و پیام ویژه هر آیه در بافت زبانی قرآن کریم دست یابد؛ چرا که دریافت مفاهیم قرآنی، با فهم کاربست‌های ارتباطی آن‌ها میسر خواهد بود، از این رو، باید جنبه‌های ارتباطی آن را به درستی شناخت و هر یک از کارکردهای ارتباطی پیام‌های قرآنی را به صورت ویژه‌ای واکاوی نمود (عندلیب و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲). با توجه به اینکه ارتباط کلامی در قرآن معطوف به ارتباط خالق با مخلوق و سایر روش‌های ارتباطی است، دستیابی به مفاهیم متعدد آیات، با فهم نقش هر یک از عوامل اصلی ارتباط در بیان پیام‌های قرآنی امکان پذیر خواهد شد و می‌توان به مفاهیم اساسی نهفته در لایه‌های ادبی آیات دست یافت. همچنین دانسته می‌شود که همه نقش‌های کلامی در کنار هم، مفاهیم ژرف آیات قرآن را جلوه‌گر خواهند بود و در این میان، نقش عاطفی و ترغیبی آیات، بیشترین تأثیر را در بیان مفاهیم قرآنی خواهند داشت. موضوعی که در این جستار مورد مذاقه قرار می‌گیرد این است که علم زبان‌شناسی نوین تا چه حد می‌تواند در کشف و درک مفاهیم واژگان و عبارات قرآنی متمر ثمر باشد؟ و اصولاً آیا می‌توان جلوه‌هایی از اعجاز بیانی قرآن کریم را براساس مدل‌ها و شیوه‌های نوین معناشناسی و زبان‌شناسی و به طور خاص، الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن استخراج نمود؟

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری سوره حجرات را از زوایای مختلف ادبی، بلاغی و تفسیری مورد بررسی قرار داده‌اند، همچنین در خصوص تبیین مدل‌های ارتباطی و بررسی مفاهیم سوره‌ها از این منظر تحقیقاتی به عمل آمده که به اختصار بدان اشاره می‌شود.

مقاله «بررسی مشابتهای علم معانی و نظریه ارتباط یاکوبسن با تکیه بر آیات و روایات» از فاطمه صالحی و احمد ذاکری، چاپ شده در شماره اول فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن سال ۱۳۹۴. در این پژوهش، با تمرکز بر فنون بلاغت اعم از صرف، نحو، بیان و بدیع، سعی نموده تا مشترکات، همپوشانی‌ها و مشابتهای موجود میان علم معانی و نظریه ارتباط یاکوبسن را آشکار سازد. نیز مقاله «تحلیل زبان شناختی واژه‌های حمد و شکر در آیات قرآن کریم بر پایه الگوی ارتباطی یاکوبسن و رده بندی کولماس» از روح الله یعقوبی و عالیه کرد زعفرانلو که در شماره ششم فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآن سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. در این مقاله فراوانی این مفاهیم با توجه به رویکرد ارتباطی یاکوبسن بررسی شده است. همچنین مقاله «واکاوی مفاهیم قرآنی بر اساس مدل ارتباطی یاکوبسن با تأکید بر دریافت آیرونی (نمونه موردی سوره زمر) از علی عندلیب و همکاران، در شماره دوم فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. تمرکز این پژوهش، ضمن توجه به مدل ارتباطی یاکوبسن، بر دریافت آیرونی (معانی یا اغراضی که انتقال دهنده احساسات واقعی گوینده نیستند) معطوف بوده و بر این اساس، به بررسی نقش‌های زبانی که بیشترین تأثیر را در دریافت آیرونی سوره زمر داشته‌اند، پرداخته است.

مقاله «بررسی اصول روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات و مدل یابی محتوایی از این آموزه‌ها» از مرتضی کرمی و همکاران که در شماره ۲۹ فصلنامه روان‌شناسی تربیتی سال ۱۳۹۲ نشر یافته است. نویسندگان این پژوهش درصدد تحلیل مهارت‌های ارتباطی در این سوره، از جمله «اصول و مبانی روابط بین فردی همچون جایگاه مخاطب، رعایت احترام و ادب» و نیز آداب روابط بین فردی بوده‌اند. با توجه به مشاهده پیشینه فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه تبیین اصول ارتباطی، پژوهشی که تبیین مفاهیم تربیتی و اجتماعی سوره حجرات

را بر مبنای کارکرد نقش‌های زبانی، با رویکردی بر الگوی ارتباطی یاکوبسن بررسی کرده باشد، یافت نگردید و جستار حاضر از این نظر جنبه نوآوری دارد.

۳. تبیین الگوی ارتباطی یاکوبسن و کاربست آن در گفتمان قرآنی

یاکوبسن (R. Jakobson) از نظریه‌پردازان برجسته حوزه زبان و زبان‌شناسی است که دیدگاه‌های وی در بررسی نقش‌های ششگانه زبان، مورد توجه اندیشمندان حوزه زبان و ادبیات قرار گرفته است. وی شش جزء تشکیل دهنده ارتباط در هر گفتمانی را تعیین کننده نقش‌های زبان دانسته و آرای خود را تحت عنوان نظریه ارتباط (Communicative Theory) ارائه می‌کند. یاکوبسن در توضیح چگونگی ابلاغ و کارکرد ادبی زبان، ابتدا یادآور می‌شود که در هر گفتاری وجود شش عامل لازم است که عبارتند از «گوینده، مخاطب، پیام، زمینه دلالتی پیام، رمز، مجرای ارتباطی». وی معتقد است در کنش ارتباطی، نخست فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای آن که بتواند مؤثر باشد باید به موضوع یا به اصطلاحی کم و بیش مبهم یا به مصداقی اشاره کند. موضوع باید برای گیرنده قابل درک باشد و به صورت کلامی بیان گردد تا بتواند در قالب کلام بیان گردد. در این میان رمزنگاری نیز مورد نیاز است که باید برای فرستنده و گیرنده یا به عبارت دیگر برای رمزگذار و رمزگردان پیام شناخته شده باشد. سرانجام به مجرای ارتباطی نیاز است، مجرای فیزیکی و پیوندی روانی میان فرستنده و گیرنده پیام که به هر دوی آنان این امکان را می‌دهد میان خود ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند (یاکوبسن، ۱۳۸۰، ۹۱). براساس مدل نظریه رومن یاکوبسن، نقش‌های زبانی دلالت پیام عبارتند از: «نقش عاطفی، نقش ترغیبی، نقش همدلی، نقش ارجاعی، نقش

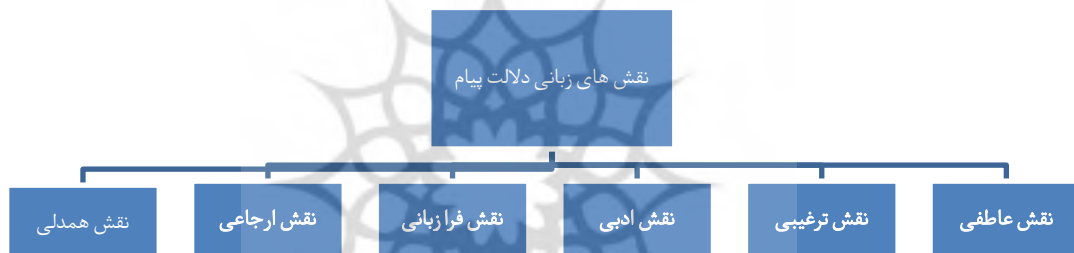


جدول ۱: نقش‌های زبانی الگوی ارتباطی یاکوبسن (۱۹۶۰م: ۳۵۶)

فرازبانی، نقش ادبی به اعتقاد یاکوبسن، تأکید بر هر یک از شش عامل مؤثر در کنش ارتباطی («گوینده، مخاطب، پیام، زمینه دلالتی پیام، رمز، مجرای ارتباطی») می‌تواند به ظهور یکی از کارکرد نقش‌های زبان بیانجامد. البته باید توجه داشت که مشکل می‌توان پیامی را در یک کلام یافت که تنها در یکی از نقش‌های قابل طرح قرار بگیرد.

تعیین انواع پیام‌های کلامی بر این پایه تحقق می‌یابد که هر پیام از چه جایگاهی در سلسله مراتب این نقش‌ها برخوردار است (یاکوبسن، ۱۳۸۰، ص ۹۲). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که کمتر جمله‌ای را می‌توان یافت که به طور مطلق تنها از یکی از نقش‌های زبان استفاده کرده باشد؛ در واقع، در اکثر جمله‌ها دو یا چند نقش زبان به طور همزمان حضور دارند و حتی در برخی موارد، تفکیک نقش‌ها با یکدیگر دشوار می‌نماید. به اعتقاد یاکوبسن، آنچه باعث تمایز پیام‌های مختلف از یکدیگر می‌شود، غلبه یکی از کارکردهای زبان بر دیگری است (مقدادی، ۱۳۷۸، ص ۶۲۳).

طبق الگوی یاکوبسن، خداوند به عنوان فرستنده پیام، دارای نقش عاطفی است، و صحابه، یاران و اطرافیان پیامبر (ص) و نیز مخاطبان آینده، دریافت کنندگان پیام هستند که تعالیم تربیتی و نحوه تعامل با پیامبر (ص) به عنوان گزاره‌هایی از روابط اجتماعی را دریافت می‌کنند. آیات الهی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده‌اند، بنابراین مجرای ارتباطی میان فرستنده و گیرنده، وحی است و نقش همدلی که در الگوی ارتباطی یاکوبسن برای این راه ارتباطی می‌توان در نظر گرفت، عمل به فرامین الهی و رعایت هنجارهای اجتماعی در تعامل با پیامبر (ص) و به طور کلی، در ارتباط با همدیگر در جامعه است.



جدول ۲: کارکرد نقش‌های زبانی دلالت پیام

۴. دورنمایی از سوره حجرات و محورهای مهم آن

اجماع مفسرین بر این است که سوره حجرات دارای ۱۸ آیه و از جمله سور مدنی است، تنها برخی آیه سیزدهم از این سوره را در شمار آیات مکی به حساب می‌آورند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۳). دقت در آیات این سوره نشان می‌دهد که هنگام نزول آن، حکومت اسلامی استقرار یافته بود؛ زیرا در آن چگونگی روابط میان مسلمانان مطرح شده است. با توجه به اینکه سوره حجرات مشتمل بر مسائل مهمی از احکام اخلاقی است، می‌توان آن را «اخلاقی‌ترین» سوره قرآن دانست. «نام‌گذاری این سوره نیز برگرفته از آیه چهارم این سوره که واژه «حجرات» در آن به کار رفته بوده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۱۲۹).

سوره حجرات مشتمل بر احکام اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و دینی است که در سایه‌سار آن، سعادت زندگی و آرامش روانی انسان در نظام اجتماعی میسر می‌گردد. «برخی از این احکام میان انسان و پروردگار اوست که باید رعایت شود و پاره‌ای دیگر نیز آدابی است که می‌بایست در تعامل با رسول خدا (ص) رعایت شود، که محتوای کلی پنج آیه ابتدایی سوره را در بر می‌گیرد. بعضی دیگر آن، احکام مربوط به مسائلی است که مردم در برخورد با یکدیگر در مجتمع زندگی خود باید آن را رعایت کنند. قسمتی دیگر مربوط به برتری‌هایی است که بعضی افراد بر بعض دیگر دارند، و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه مدنی انسان با آن منتظم می‌شود. و در آخر، سوره را با اشاره به

حقیقت ایمان و اسلام ختم نموده، بر بشریت منت می‌گذارد که نور ایمان را به او افزوده فرموده است» (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۴۵۵).

خطوط کلی سوره حجرات، ترسیم‌گر فرایندی دقیق و منسجم در نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در جامعه‌ای سالم است که کمال‌بخشی و هدفمندسازی ظرفیت‌های درونی انسان را در کنار سالم‌سازی مناسبات و روابط پیرامونی در زندگی بشری را مدنظر قرار داده است. براین اساس، سوره حجرات به تمام ابعاد ظریف رفتاری و شخصیتی انسان به جهت نیل به تعالی و کمال، سخت توجه دارد. این سوره، یک‌پارچه احکام ادب و اخلاق را ترسیم نموده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رعایت ادب در مقابل خداوند و رسول اکرم (ص).

- تبیین وظیفه انسان در چگونگی برخورد با دریافت اخبار و اطلاعات از هر طریقی.

- تشریح وظیفه مسلمانان در قبال مسائل مختلف جامعه و حل و فصل اختلافات درونی.

- نهی از مسخره کردن و صدا زدن یکدیگر با القاب ناپسند.

- نهی از بدگمانی، تجسس و افشاگری اسرار و غیبت مؤمنان در جامعه.

- بیان ملاک برتری بودن تقوا نزد خداوند.

- بیان نعمت اسلام، ایمان و امتنان خداوند که این موهبت را به مؤمنان ارزانی داشته.

به طور خلاصه سوره حجرات را می‌توان نظام نامه رفتاری جامعه اسلامی و آیین‌نامه‌ای دقیق جهت ارتباط و تعامل مسلمانان با یکدیگر دانست که در قالب ۱۵ فعل امری و ۱۰ فعل نهی، مباحث اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را برای زندگی سالم بشری تبیین نموده است.

۵. تحلیل نقش‌های زبانی در سوره حجرات، براساس الگوی ارتباطی یا کوبسن

الگوی ارتباطی یا کوبسن، از مشهورترین انگاره‌های بررسی موقعیت ارتباطی در بافت زبان است. در نظریه یا کوبسن، ارسال هر پیامی نیازمند زمینه‌ای است که بتوان آن را به مخاطب منتقل نمود. همچنین نظامی از هنجارها و قواعد که به عنوان رمز میان فرستنده و گیرنده مشترک است، جزئی از این ارتباط را شکل می‌دهد. نیز این که پیام به مجرای ارتباطی نیاز دارد تا میان فرستنده و گیرنده پیام، امکان ارتباط برقرار شود؛ امری که در گفتمان قرآنی، «وحی» به عنوان همان مجرای ارتباطی، وظیفه انتقال تعالیم میان خالق و مخلوق را بر عهده دارد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یا کوبسن عناصر شش‌گانه «گوینده، مخاطب، پیام، زمینه دلالتی پیام، رمز، مجرای ارتباطی» در مدل ارتباطی خود را به گونه‌ای طراحی کرده که هر یک نقش خاصی در ایجاد ارتباط برعهده دارد. بر این اساس، با توجه به نقش‌های شش‌گانه «فرازبانی، ارجاعی، ادبی، ترغیبی، عاطفی و همدلی»، نحوه ارتباط میان خداوند و مخاطبان در نهادینه‌سازی اصول تربیتی و اجتماعی سوره حجرات مورد بررسی قرار گرفته و کارکرد هرکدام از این نقش‌ها در این الگوی ارتباطی تبیین می‌گردد.

۱.۵. نقش فرازبانی (Metalinguistic Function)

در این نقش زبانی، گاه واژه یا اصطلاحی در کلام به کار می‌رود که مفهومی فراتر از ظاهر آن دارد؛ یعنی این واژه، به‌عنوان رمزگان جهت اشاره به مفهومی خاص یا تبیین دیدگاهی ویژه استفاده می‌شود، که با تعمق در معنای آن

می‌توان به مقصود گوینده کلام پی برد. در این شرایط، گفتار حول محور معنای برآمده از آن واژه خاص تمرکز می‌یابد. در چنین شرایطی، زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار می‌رود و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شود. نمونه این نوع از نقش زبانی در سوره حجرات را می‌توان در واژگانی مشاهده نمود که به جهت نیل به مفهوم مورد نظر قرآن، می‌بایست به معنای نهفته در ورای آن کلمات و بار مفهومی خاصی که القا می‌کنند توجه نمود. مفاهیمی همچون «ایمان، اسلام، جهر، لمز، نبز، فسق، اکل لحم» در آیات^۱ (۲، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۴) سوره حجرات، دارای بار مفهومی خاصی هستند که بر مبنای الگوی ارتباطی یاکوبسن، در حیطه نقش فرازبانی قرار می‌گیرند.

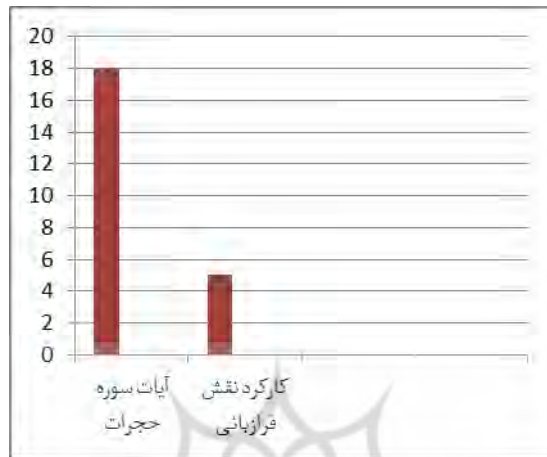
بر این اساس، در آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَنِيًا فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» (۶)، بحث تحلیل خبر و اهمیت پیامی که برای مخاطبان به‌همراه دارد، مورد توجه است. نکته مهم در آیه مورد بحث، در خصوص تحلیل پیام است که در مفهوم واژه «فَتَبَيَّنُوا» نهفته است. «فَتَبَيَّنُوا» بدین معناست که «اول صدق و کذب او را بدست بیاورید، و فوراً با خبر او اقدام به عمل نکنید» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۱۹۸). این واژه در قرائتی که به «فَتَبَيَّنُوا» خوانده شده است، از «تَبَيَّنْتُ» به معنای «ثبات و به جای ماندن و اندیشه کردن و شتاب نکردن» گرفته شده است (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۳۹). اهمیت این پیام در آیه مذکور، به نهادینه کردن عقلانیت و پرهیز از شتابزدگی در اظهار عقیده و تصمیم‌های نسنجیده بر می‌گردد. از این رو، معنای «فَتَبَيَّنُوا» در آیه مورد بحث، تلاش برای رسیدن به وضوح و انکشاف خبر است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۲۸). بر مبنای دیدگاه یاکوبسن، جهت‌گیری پیام در این آیه به سوی خود پیام و محتوای آن است، بدین قصد که جامعه براساس یک خبر ناصحیح و از جانب فرد یا افراد فاسق، دچار تزلزل و چند دستگی نشود و این موضوع، اهمیت محتوای پیام آیه را آشکار می‌سازد. بنابراین، از آنجا که پیام، محور کلام قرار می‌گیرد، می‌توان آن را در حیطه نقش ادبی دسته‌بندی نمود. نکته قابل ذکر آنکه نکره آمدن دو واژه «فاسق» و «بنی» به جهت تعمیم است، یعنی در عمل به هر آنچه که از هر فرد فاسقی به شما رسد تعجیل نکنید، بلکه در آن خبر به تجسس بپردازید تا صدق و کذب آن بر شما آشکار گردد (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸، ص ۴۱۱).

در آیه «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا بِرِسْقٍ بَنِيًا فَتَبَيَّنُوا...» (۱۱)، واژه «لمز» در جمله «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ»، عبارت است از عیب‌جویی در روبروی شخص (طبرسی، ج ۲۳، ص ۲۱۷). و از این معناست «اللَّمْزَةُ: الَّذِي يَعْيبُكَ فِي وَجْهِكَ» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۴۵). البته صاحب «تفسیر الوسيط»، قید عیب‌جویی را منحصر «در حضور شخص» نمی‌داند، بلکه این وصف را اعم از سخریه دانسته که ممکن است در حضور شخص یا در غیاب وی انجام گیرد: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ أَي: وَلَا يَعْيبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا بِقَوْلٍ أَوْ إِشَارَةٍ سِوَا مَا كَانَ عَلَى وَجْهِ يَضْحَكُ أَمْ لَا، وَسِوَا مَا كَانَ بِحَضْرَةِ الْمَلْمُوزِ أَمْ لَا، فَهُوَ أَعْمُ مِنَ السَّخْرِيَةِ» (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۳، ص ۳۱۱). و مفهوم «نبز» نیز در عبارت «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» بدین معناست که «از جمله آداب معاشرت آن است که اهل ایمان هرگز دیگران را به لقب ننگین و نشانه بد نام نبرند و بدین وسیله او را به بدنامی یاد نکنند و در انظار سبک و مبتذل معرفی نمایند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۳۹۸).

همچنین در آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى...» (۳)، ذکر

۱- «وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» (حجرات: ۲)، «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بَنِيًا فَتَبَيَّنُوا...» (۶)، «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا بِرِسْقٍ بَنِيًا فَتَبَيَّنُوا...» (۱۱)، «أَيُّجِبُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (۱۲)، «فَلَمْ تَأْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (۱۴).

واژه «رسول الله» حامل پیام خاصی برای مخاطبان است و آن اینکه شخص «رسول» بدان جهت که رسول است، هر گونه رفتاری که با آن شود، با مرسل و فرستاده خدای تعالی شده است، اگر او را تعظیم و احترام کنند، خدا را احترام کرده اند؛ پس آهسته سخن گفتن نزد ایشان، احترام و تعظیم و بزرگداشت خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۶۲). بنابراین، به کارگیری چنین واژگانی در سوره حجرات، و به جهت القای مفهومی خاص در تعامل با مخاطب، دارای کارکرد فرازبانی است که مفهومی ویژه را در تبیین مباحث اخلاقی و تربیتی برعهده دارد.



نمودار بسامد نقش فرازبانی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۲.۵. نقش ارجاعی (Referential Function)

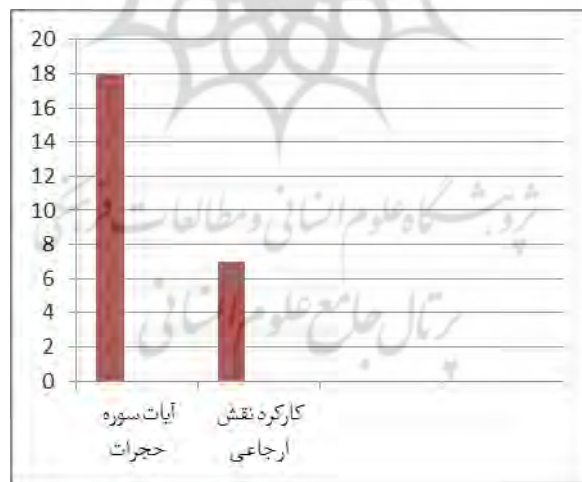
این نقش زبانی، در واقع، همان کارکرد معنادهی جملات را بازگو می‌کند، لذا جمله‌ای که به معنایی ارجاع می‌دهد، موضوعی را بیان می‌کند که نه احساس فرستنده است نه گیرنده و نه ضرورتاً زیباست؛ مثل آن چه در یک متن علمی اتفاق می‌افتد. چنین پیام‌هایی کارکرد ارجاعی دارند؛ یعنی معنایی را خارج از حیطه عواطف فرستنده و گیرنده و فارغ از فرم زیبا، بیان می‌کنند. در این نقش، محتوای پیام مورد اهمیت است، تا شکل بیان آن؛ زیرا این نوع از پیام‌ها، در صدد نهادینه کردن یک آرمان، اعتقاد یا باور خاص رفتاری، گفتاری، ایمانی و ... در جامعه است.

در کارکرد نقش ارجاعی، جهت‌گیری پیام به سوی زمینه و بافت کلام است. تعیین صدق و کذب این گونه جملات به خاطر اخباری بودنشان، از طریق محیط امکان‌پذیر است. در برخی از آیات سوره حجرات، پیام‌ها و دستورالعمل‌هایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای مخاطبان ارائه گردیده که سعادت جامعه بشری و رسیدن به کمال و تعالی، در گرو عمل به آن‌هاست. بر این اساس، آموزه‌های تربیتی قرآن جهت زندگی سالم در جامعه و نیل به سعادت و آرامش و رستگاری را می‌توان در مؤلفه‌هایی چون^۱: «رعایت حرمت نبی خدا (ص) (حجرات: ۳)، خردورزی (۴)، داشتن صبر و شکیبایی (۵)، احترام به هم‌نوع (۱۰)، پیشه کردن تقوای الهی (۱۳)، داشتن ایمان راستین (۱۵)، تبیین قدرت

۱- «إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَعْيُنَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (۳)، «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ زُرَّاءِ الْحُجْرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (۴)، «وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ» (۵)، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۱۰)، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۱۳)، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزِنُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (۱۵)، «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۸)

پروردگار (۱۸)» یافت که از مهم‌ترین گزاره‌های ارجاعی در سوره حجرات به شمار می‌آیند. در این نقش، چون جملات به صورت خبری به کار برده می‌شوند، لذا عوامل درون‌زبانی (معنای برآمده از ظاهر واژگان و مؤلفه‌های معنایی آن‌ها) در فهم پیام مورد نظر، چندان کارآمد نیست، بلکه موضوع پیام در این جملات، از طریق محیط امکان‌پذیر است. مثلاً در آیه «إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنَ وراءِ الحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (الحجرات: ۴)، فهم و درک پیام آیه مبنی بر «رعایت حرمت رسول خدا (ص) و خردورزی در چگونگی رفتار و تعامل با ایشان»، از طریق فهم واژگانی میسر نمی‌شود، بلکه از طریق رخدادهای محیط پیرامونی در جامعه و نحوه صدا زدن پیامبر (ص) و فراخواندن نام ایشان از پشت حجره‌ها و با صدای بلند حاصل می‌شود که به تبع آن، عدم رعایت حرمت نبی خدا از آن برداشت می‌شود، چرا که «در کارکرد ارجاعی، تأکید بر بافت غیرزبانی است که در روند کنش ارتباطی بدان اشاره می‌شود و عوامل دیگر همچون ویژگی‌های گوینده، مخاطب یا صورت‌گفتار، اهمیت کمتری دارند» (مکاریک، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸).

حفظ جایگاه و موقعیت پیامبر (ص) و عدم تقدم بر رهبر جامعه اسلامی در جامعه، پیام محوری است که بیشتر آیات این سوره بر آن تأکید دارد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۱)؛ زیرا کسی که در کارهایش از خدا و پیامبر پیشی می‌گیرد، در مدیریت نظام اسلامی خلل وارد کرده و جامعه را به هرج و مرج می‌کشد و در حقیقت، نظام قانون‌گذاری را بازچه تمایلات خود قرار می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۵۵). همچنین «نهادینه کردن جایگاه ادب به عنوان برترین سرمایه» و نیز «فراگیر نمودن انضباط در جامعه اسلامی»، از دیگر پیام‌های کلیدی سوره حجرات است که بر مبنای الگوی ارتباطی یاکوبسن، دارای کارکرد ارجاعی است.



نمودار بسامد نقش ارجاعی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

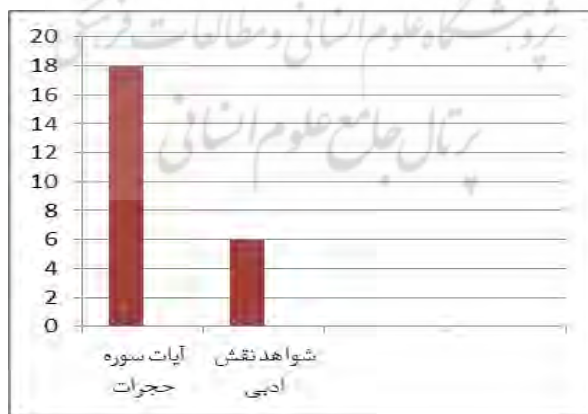
۳.۵. نقش ادبی: (Literary function)

جهت‌گیری پیام در نقش ادبی، متوجه خود پیام است. به عبارت دیگر، پیام، به خودی خود محور کلام قرار می‌گیرد؛ لذا توجه خواننده در این نقش، معطوف به شکل پیام است تا به محتوای آن. براساس نظریه یاکوبسن، شعر و آرایه‌های ادبی آن، در حیطه نقش ادبی قرار می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان بهره‌گیری از صور خیال همچون «تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز» را در قلمرو این نقش به حساب آورد. قرآن کریم نیز در تبیین برخی تعالیم الهی، به وفور از این

قاعده زبانی در جهت برجسته‌سازی زبان و تأثیر بیشتر بر جان مخاطب بهره برده و کلام را در نهایت دقت آراسته است. آیه شریفه: «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (۱۲)، با برجسته‌سازی زبان در قالب مفهومی کنایه، پیام محوری «نکوهش غیبت» را نهادینه می‌سازد. این آیه نیز برای حفظ آبروی مردم، سوءظن، تجسس و غیبت را حرام کرده است. در این تعبیر، باطن غیبت، به مثابه خوردن گوشت مرده است و درباره هیچ گناهی این نوع بیان بکار نرفته است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۹۴). ذکر فعل ماضی «فَكَرِهْتُمُوهُ» به جای فعل مضارع «فَتَكْرَهُونَهُ»، که دلالت بر تحقق دارد، اشعار دارد به این که کراهت شما امری است ثابت و محقق، و هیچ شکی در این نیست که شما هرگز راضی نمی‌شوید يك انسانی را که برادر شما است و مرده است، بخورید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۶).

علاوه بر این، آیات دیگری در این سوره نیز با بهره‌گیری از صور خیال، در ارائه مفاهیم قرآنی، توجه مخاطب را به شکل پیام معطوف نموده و در قالب صنایع بیانی چون مجاز، استعاره و کنایه، مخاطبان را در فهم هر چه بهتر پیام مورد نظر یاری رسانده است. بدین منظور، در آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (۳)، واژه «امتحان» به طریق مجاز مرسل با علاقه سببیه، برای فهم «معرفت و شناخت» بیان شده است. نیز در آیه «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (۲)، واژه «رفع» استعاره از آشکار بودن صوت فراتر از حد متعادل آن است.

پیام «پذیرفتن بی‌چون و چرای مطاع» در آیه «لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ» (۷)، و نیز «عجله کردن در کارها و حکم کردن قبل از پیامبر (ص) و خدا» در آیه «لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (۱) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۲۴۲)، و همچنین عبارت «قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا» در آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۗ قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا» (۱۴)، که به جای فعل «کذبتم: دروغ می‌گوئید» بیان شده، که به دلالت کنایه، بر دروغگو بودن اعراب اشاره دارد (نک: طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۵۸)، از جمله مواردی است که در آن‌ها، پیام، به دلیل اهمیت آن، به خودی خود، محور کلام قرار می‌گیرد و توجه مخاطب به شکل پیام و نحوه بیان آن است، که در الگوی ارتباطی یاکوبسن، در حوزه نقش ادبی^۱ زبان قرار می‌گیرد.



نمودار بسامد نقش ادبی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۱- «لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات: ۱)؛ «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (۲)؛ «أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (۳)؛ «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (۴)؛ «لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ» (۷)؛ «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۗ قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا» (۱۴).

۴.۵. نقش ترغیبی (conative function)

جهت‌گیری پیام در نقش ترغیبی الگوی ارتباطی، متوجه مخاطب است. در این نقش، بدلیل اینکه معمولاً از جملات انشائیه استفاده می‌شود، صدق و کذب ساخت‌ها، قابل سنجش نیست. هدف از بیان کلام در نقش ترغیبی، جلب مشارکت‌گیرنده پیام یا برانگیختن احساسات اوست. بنابراین، در اکثر آیات سوره حجرات که جلوه‌های خطابی آن به قصد تنبیه مردم نسبت به چگونگی رعایت آداب گفتاری و رفتاری در جامعه بیان شده، برانگیختن احساسات و سوق دادن آنان به سوی کسب معنویت و تعالی از اهداف مهم این سوره است.

از این رو، جملات «امری، نهی و دعایی» را می‌توان نمونه بارز نقش ترغیبی زبان در این سوره دانست. امر به معروف و نهی از منکر در تعالیم قرآنی، از جمله سازوکارهای زبانی است که گاه به طور صریح و آمرانه و گاه به صورت غیرمستقیم و ارشادگرایانه، مباحث تعلیمی و تربیتی را جهت نیل به رستگاری و سعادت بشری تبیین می‌کند. با توجه به محور کلی سوره حجرات در القای مباحث اخلاقی، تربیتی و اجتماعی، و به تبع آن، بهره‌گیری از جملات انشائی در قالب افعال «امر و نهی»، نقش ترغیبی زبان در الگوی ارتباطی، از بسامد بالایی برخوردار است. در مواردی که کارکرد جملات در گفتمان، به جهت تشویق یا ترغیب مخاطب بیان شود، تمرکز بر نقش ترغیبی جمله است که ساخت‌های ندایی، امری و نهی از بارزترین نمونه‌های آن است.

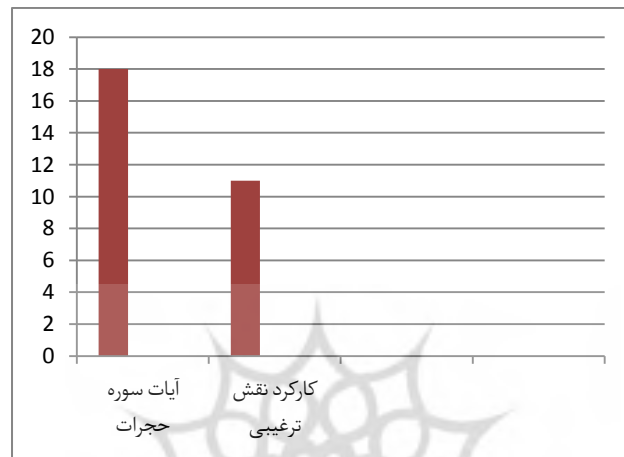
همان‌طور که بیان شد، استفاده از جملات و عباراتی که روی سخن در آن‌ها با مخاطب است در حوزه نقش ترغیبی می‌گنجد، از این رو، توجه به جایگاه افراد یا سلسله مراتب اجتماعی در جامعه اسلامی که در آغازین آیات سوره حجرات بیان شده، می‌تواند مصداق بارزی برای نقش ترغیبی باشد. البته اگر چه روی سخن در این آیات، با مردم جامعه نبوی و نحوه تعامل ایشان با رهبر جامعه است، اما اغلب مفسران، این نوع از آموزه‌های اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را به همه ارتباطات موجود در جامعه تعمیم می‌دهند (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴).

در ۱۱ آیه از سوره حجرات^۱، با بهره‌گیری از جملات امری (۱۵ مورد) و نهی (۱۰ مورد)، به طور مستقیم، به نقش ترغیبی مخاطبان (هم‌عصران پیامبر (ص) و مردم دیگر جوامع) در تبیین موضوعات تربیتی و اجتماعی چون «توصیه به فرمانبرداری از خدا و رسول، ترغیب مخاطب به رعایت ادب گفتاری، ترغیب به رعایت تقوای الهی، ترغیب به برقراری رابطه اخوت و برادری میان مؤمنان، ترغیب به احترام به هم‌نوع، تشویق به اندیشه‌ورزی، و...» پرداخته شده است.

توجه خاص قرآن کریم به نقشی که افراد جامعه برحسب جایگاه خود، در رفع تعارضات و کدورت‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی ایفا می‌کنند، در آیات ۹ و ۱۰ این سوره بدان اشاره شده است که می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...»، زیرا ظهور و بروز اختلافات در جوامع با توجه به سلاقی مختلف و تفاوت‌های فردی، امری اجتناب‌ناپذیر است، از این رو، نحوه مرتفع ساختن این مشکلات در حوزه روابط بین فردی است که قرآن کریم با بیان عبارات امری و نهی، به اهمیت خاتمه دادن، به آن پرداخته است.

۱- «لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات: ۱)؛ «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ» (۲)؛ «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ» (۶)؛ «وَأَعْلَمُوا أَنْ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ» (۱۷)؛ «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا» (۹)؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (۱۰)؛ «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ» (۱۱)؛ «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا... وَاتَّقُوا اللَّهَ» (۱۲)؛ «قُلْ لِمَ تُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا» (۱۴)؛ «قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ» (۱۶)؛ «قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم» (۱۷).

نیز در جمله «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» بادیه‌نشینان را به داشتن ایمان راسخ ترغیب می‌کند و عبارت «وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا» (۱۴)، که پس از آن ذکر شده است، این تشویق و ترغیب را تأکید نموده و بدان تصریح می‌کند (صدر، ۱۳۷۹، ص ۳۵۴). همچنین در عبارت قرآنی «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا»، محبوب جلوه دادن «ایمان» برای مؤمنین و ارائه تصویری منفور از «کفر»، بیشتر جنبه انگیزشی و تشویقی دارد تا عمل به حکم داده شده، چراکه جایگاه ایمان به عنوان یک نگرش تأثیرگذار بر روابط بین فردی، در این گفتمان به خوبی آشکار است.



نمودار بسامد نقش ترغیبی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۵.۵. نقش عاطفی (Emotive Function)

این کارکرد زبانی، بیانگر نگرش و احساس درونی گوینده نسبت به موضوعی است که درباره آن سخن می‌گوید. در واقع گوینده در مرکز نقش عاطفی قرار دارد. در این کارکرد، به کارگیری زبان برای بیان حالات عاطفی و احساسات درونی صورت می‌گیرد و این کارکرد، نمایانگر احساس مستقیم گوینده نسبت به موضوعی است که درباره اش سخن می‌گوید. اگر جهت‌گیری پیام به سوی گوینده و ادبیات او، احساس خاص وی باشد، آنگاه این کارکرد زبانی، دارای نقش عاطفی است. این نقش در تقابل با نقش ارجاعی قرار دارد؛ یعنی زمانی که گفتمان گوینده، مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و از توصیفات احساسی استفاده کند، محور کلام به سوی نقش عاطفی و شیوه بیان گوینده کلام معطوف می‌شود. در این شیوه ارتباطی، نقش عاطفی بر فضای داستان یا غرض گفتمان غلبه دارد.

به اعتقاد یاکوبسن، تمرکز بر احساس گوینده کلام، در این نقش بسیار حائز اهمیت است، خواه گوینده کلام، حقیقتاً آن احساس را داشته باشد یا وانمود به چنان احساسی نماید (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۰، ۳۱)، که این امر در تمامی آیات قرآنی که خداوند، به عنوان گوینده کلام، مهر و محبت و دوستی خود را به بندگان ابراز می‌دارد، احساسی صادقانه است که دل‌ها را مجذوب خود ساخته است. در بسیاری از آیات قرآنی، بحث رحمانیت خداوند و حب و علاقه به بندگان مطرح است که با قبول توبه گنهکاران، درهای رحمت بیکران خویش را به روی آنان می‌گشاید و مهر و محبت خود را به آنان ارزانی می‌دارد. در چنین گفتمانی که پذیرش توبه بندگان، وعده پاداش عظیم، مهر و محبت الهی و

بخشش بیکران خداوندی در آن جریان دارد، دل‌ها همه مجذوب ذات حق تعالی شده و رابطه میان خالق و مخلوق به عنوان زیباترین جلوه هستی، تجلی می‌یابد. بر این اساس، آیات سوره حجرات که بر طبق الگوی ارتباطی یاکوبسن، دارای نقش عاطفی بوده و از جانب گوینده (خداوند)، پیام مهرآمیز و سرشار از لطف و رحمت الهی را به بندگان منتقل می‌کند، از منظر جلوه‌های ارتباطی با مخاطب، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

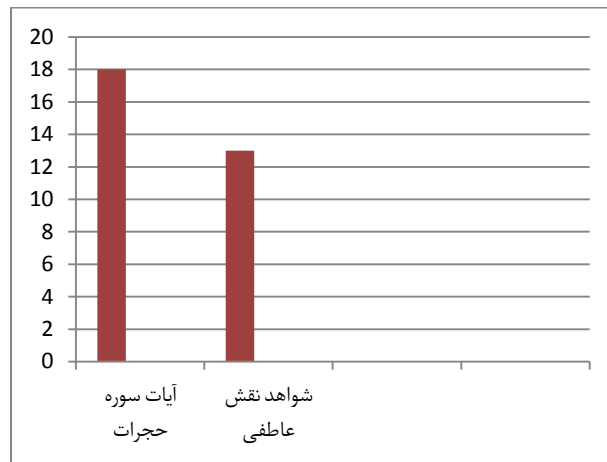
آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (الحجرات: ۳) را می‌توان مصداقی از کارکرد عاطفی در الگوی ارتباطی یاکوبسن به شمار آورد. این آیه در تبیین جایگاه خاص نبی اکرم (ص) در جامعه و لزوم رعایت احترام به ساحت ایشان، افرادی که ادب و متانت گفتاری با پیامبر (ص) را رعایت می‌کنند، در شمار پرهیزکاران دانسته و برای آنان اجر و پاداش اخروی در نظر گرفته است. به دیگر سخن، در برابر رعایت جایگاه ویژه پیامبر (ص)، خداوند به وسیله پاداش نیک از آنان قدردانی کرده و مورد بخشش خویش قرار می‌دهد. در مقابل، گیرنده پیام کسی است که فرامین الهی را به جای آورده و با گفتار و رفتار شایسته با نبی خدا سخن گوید. این بدان معناست که خداوند، به اعمال بندگان جزای نیکو می‌دهد و عالم به افعال آن‌هاست و هیچ فعلی را بدون جزا نمی‌گذارد و عمل خیری در پیشگاه او از بین نمی‌رود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۵). براساس الگوی یاکوبسن، خداوند به عنوان فرستنده پیام و دارای نقش عاطفی است، و بنده به عنوان دریافت کننده پیام است، که در برابر رعایت احترام به نبی خدا (ص) و پاسداشت جایگاه ایشان، این پاداش را دریافت می‌کند. نقش همدلی که برای این راه ارتباطی می‌توان در نظر گرفت، خالص نمودن دل‌های بندگان برای تقوای الهی و خشوع آنان در برابر پروردگار است.

همچنین در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (الحجرات: ۱)، ذکر عبارت «سَمِيعٌ عَلِيمٌ» این موضوع را به مخاطبان القا می‌کند که باید حریم ارتباطی میان خود با خدا و رسولش را رعایت نموده و «در جایی که خدا و رسول او حکمی دارند، شما حکم نکنید- یعنی حکمی نکنید مگر به حکم خدا و رسول او- و باید که همواره این خصیصه در شما باشد، که پیرو و گوش به فرمان خدا و رسول باشید»، چرا که خداوند به انگیزه‌های درونی و نیات شما آگاه است و جزای عمل نیک شما را خواهد داد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۵۶). براساس مدل ارتباطی یاکوبسن، ذکر عبارت «إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» در انتهای آیه، به عنوان کارکرد عاطفی در الگوی ارتباطی، قوام بخش رابطه میان خداوند با بندگان است تا این مفهوم را القا نماید که خدای تعالی دمی از حال آنان غافل نبوده و هر لحظه شاهد و ناظر بر رفتار و نیات درونی ایشان است.

براساس محتوای پیام آیات سوره حجرات که دارای کارکرد عاطفی و تبیین‌گر مهر و محبت خداوند است، می‌توان کارکرد این نقش را در آیات (حجرات: ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸)^۱ مشاهده نمود که در آن‌ها جهت‌گیری پیام از سوی گوینده کلام، به جهت برانگیختن عاطفه و احساس در ارتباط با مخاطب است که در موضوعاتی همچون: «مهرورزی به بندگان در گرایش آنان به ایمان و معنویت، خالص نمودن دل‌ها و دادن اجر و پاداش

۱- «وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات: ۵)؛ «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلِيمَانٍ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (۷)؛ «فَصَلِّ مَنِ اللَّهُ وَنِعْمَةً ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (۸)؛ «إِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ الْمُتَسَلِّطِينَ» (۹)؛ «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (۱۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَبِيرٌ» (۱۳)؛ «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱۴)؛ «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (۱۶)؛ «بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۱۷)؛ «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (۱۸).

به مؤمنان، آمرزش گناهان و پذیرش توبه بندگان، دوستی با عدالت پیشگان، هدایت بندگان به سوی ایمان، آگاهی از همه امور نفسانی و رفتاری مردم» تجلی نموده است.



نمودار بسامد نقش عاطفی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۶.۵. کارکرد همدلی (Emotive Function)

کارکرد همدلی، روابطی را بهبود می‌بخشد تا گوینده به وسیله آن بتواند مقصود خود را به نحو بهتری به گیرنده برساند، در این نقش، گوینده در تلاش است تا با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. بدین معنا که فرستنده پیام، احساسات مخاطب را تحریک نموده و او را در انجام برنامه‌هایی خاص همراهی می‌نماید. بر این اساس، آیاتی که خداوند در آن به عنوان گوینده کلام، مباحثی را مطرح می‌کند که مردمان با رعایت آن، به خشنودی و رضای خدا دست یافته و در مسیر رشد و تعالی حرکت نموده و احساس همدلی و نزدیکی به خداوند را در نهاد خود پرورش دهند، بر اساس الگوی ارتباطی یا کوبسن، در حیطه نقش همدلی قرار می‌گیرد. بنابراین در مواردی که خداوند، با ایجاد حس همدلی و در فضایی مملو از آرامش وطمأنینه^۱، رحمت بیکران خویش را به بندگان ارزانی داشته، مهر و محبت و دوستی خویش را به آنان نشان می‌دهد، در این سطح از الگوی ارتباطی، بر مبنای نقش همدلی با بندگان سخن می‌گوید.

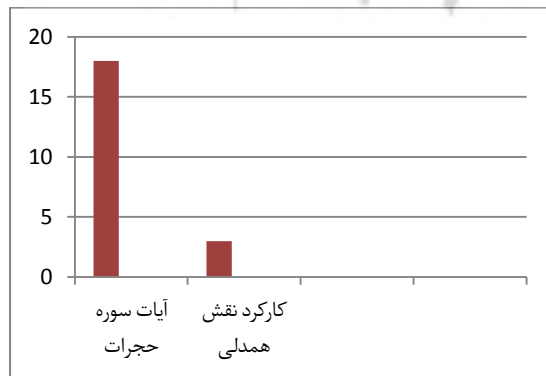
این کارکرد را می‌توان در آیاتی همچون^۲: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (الحجرات: ۱۰) مشاهده نمود که هدف از پیام آیه، ایجاد رابطه حسنه میان اقشار مختلف در جامعه به واسطه صلح و سازشی است که از سوی بزرگان قوم ایجاد می‌شود، و این نگرش، به عنوان یکی از مظاهر ایجاد انس و الفت و تقویت روابط حسنه بر پایه همدلی و صمیمیت در جامعه تلقی می‌شود. از این رو، آیه شریفه به این امر خطیر اشاره دارد که اگر میان افراد جامعه در امور دینی یا دنیوی کشمکش پدید آمد، لازم است که طرف‌های غیر درگیر، با موعظه و نصیحت و یا تهدید و یا بذل و بخشش اموال، به جهت پاسداشت کرامت انسانی و ممانعت از انجام امور ناشایست، میان آنان صلح و سازش برقرار

۱- «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» (البقرة: ۱۸۶)؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا نُوسُوهُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶).

۲- «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (۹)؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (۱۰)؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...» (۱۳).

نمایند (نهادندی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۲) و به این ترتیب، با تقویت حس همدلی و صمیمیت در جامعه، یکی از مهمترین چالش‌های اجتماعی مسلمانان در برابر یکدیگر و در اجرای عدالت اجتماعی با تمام ابعادش روشن می‌شود. همچنین پیام کلی آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»: (الحجرات: ۱۳) را می‌توان در حیطة کارکرد عاطفی دسته بندی کرد. آیه حامل این پیام مهم است که «شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم برای اینکه یکدیگر را به قوم و نسب بشناسید و امور دنیای شما منظم گردد و جامعه بشری را به اتفاق و معاونت یکدیگر اصلاح نموده و رونق دهید و مدینه فاضله و تمدن صحیح بین شما استوار گردد» (امین، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۵۳). عبارت «لِتَعَارَفُوا» با ایجاد حس همدلی و نزدیکی مردم به همدیگر، این مفهوم را القا می‌کند که «بعضی از شما بعض دیگر را به وسیله نسب و پدر و قومش بشناسد، نه برای این که به پدران و اجداد خود بر یکدیگر فخر فروشی کنید و مدعی برتری و تفاوت شوید» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۷۵). این آیه، تمام تبعیض‌های نژادی، حزبی، قومی، قبیله‌ای، اقلیمی، اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را مردود می‌شمارد و ملاک فضیلت را صرفاً تقوا می‌داند. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۱۹۵)

به طور کلی پیام‌هایی که محور اصلی آن، برقراری رابطه مهرآمیز و ایجاد مودت و دوستی بین افراد جامعه و نیز آیاتی که در آن، خداوند به عنوان گوینده کلام، اعتماد بندگان را به خویش جلب نموده و ارتباطی صمیمی و بر پایه عطف و مهربانی شکل می‌دهد، در حیطة کارکرد نقش عاطفی می‌گنجد. به عنوان مثال، آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ...» (الحجرات: ۱۰)، قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح نموده، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی، و حقوقی قانونی نیز دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۷۱). پیام اصلی این آیه، برقراری رابطه‌ای بر پایه احترام و همدلی میان مؤمنان در جامعه اسلامی است که در آن، اصلاح‌گری بر اساس عدالت و انصاف محقق خواهد شد (علوان، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۴۲). رسول اکرم (ص) در خصوص رابطه مهرآمیز مردم با یکدیگر می‌فرماید: «المسلمُ أخو المسلمِ لا يظلمُهُ و لا يسلَّمُهُ مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَ مَنْ فَزَجَ عَنْ مُسْلِمٍ كَرِبَةً فَزَجَ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ كَرِبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا يَسْتِرْهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۴۲۴).



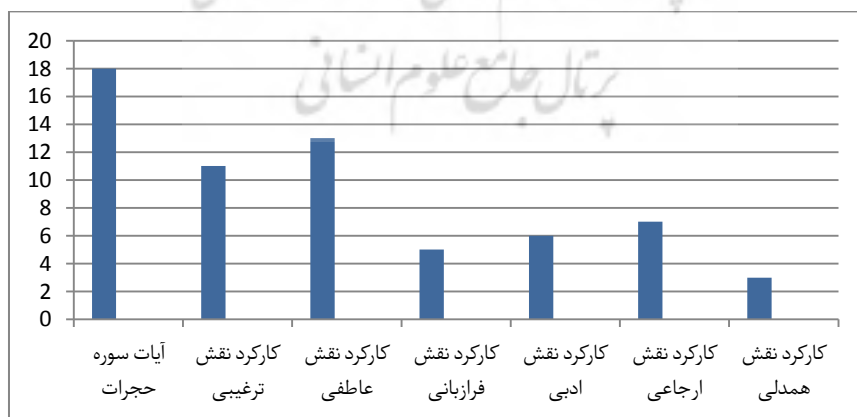
نمودار بسامد نقش همدلی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با هدف ورود به تحلیل گفتمان دینی، آیات سوره حجرات با استفاده از الگوی ارتباطی یاکوبسن

مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که سوره حجرات به عنوان اخلاقی‌ترین سوره در قرآن کریم شناخته می‌شود، نهادینه کردن اصول تربیتی و اجتماعی در جامعه نبوی و به تبع آن، تشریح این نوع از مبانی فکری در بین مخاطبان کلام وحی در همه جوامع انسانی مدنظر است، لزوم کشف جلوه‌های ارتباطی میان فرستنده کلام (پروردگار) و گیرنده آن (همه مخاطبان در تمام جوامع)، از اهمیت والایی برخوردار است. قرآن کریم در این سوره، مفاهیم تربیتی و اجتماعی را در چهار سطح (اصول اعتقادی، اصول رفتاری، اصول گفتاری و اصول ارتباطی) تبیین نموده است. مفاهیم موجود در این سوره، حول محور مباحث تربیتی و اجتماعی می‌چرخد؛ به عبارتی همه این مفاهیم مقدماتی برای تبیین کارکرد امر تربیت در جامعه است؛ بنابراین، به کارگیری ابزارهای ارتباطی متعدد و استفاده از نقش‌های زبانی، در جهت نهادینه کردن مباحث تعلیمی و تربیتی صورت گرفته است.

با توجه به اینکه امروزه علم زبان‌شناسی و شاخه‌های متنوع آن، در جهت کشف و فهم هر چه بهتر مفاهیم متون ادبی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر این اساس، نظریه زبان‌شناسی رومن یاکوبسن نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته تا گوشه‌ای از ظرافت‌های بیانی قرآن کریم در تجلی عظمت این مصحف شریف در تناسب لفظ و معنا و تبیین مفاهیم تربیتی سوره حجرات، به عنوان گونه‌ای از اعجاز بیانی، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که بر اساس مدل ارتباطی یاکوبسن، کارکرد نقش «عاطفی» به همراه نقش «ترغیبی» بیشترین بسامد را در نحوه ارتباط میان فرستنده و گیرنده کلام داراست که در موضوعاتی چون «مهرورزی خداوند به بندگان، پذیرش توبه، هدایت به سوی ایمان، اجر و پاداش مؤمنان، ترغیب به رعایت آداب گفتاری، توجه به فرمانبرداری از رسول خدا، احترام به هم‌نوع، تشویق به خردورزی و...» تجلی یافته است. همچنین کارکرد «همدلی» و «فرازبانی»، نیز کمترین بسامد را در الگوی ارتباطی داراست. ضمن اینکه نقش‌های «ارجاعی» و «ادبی» در این سوره، با بهره‌گیری از صور خیال، در ارائه مفاهیم قرآنی، توجه مخاطب را به شکل پیام معطوف نموده و با جهت‌گیری کلام به سوی زمینه و بافت سخن، مؤلفه‌های تربیتی و اجتماعی را به مخاطب القا می‌کند. به طور کلی، بسامد کارکرد نقش‌های زبانی در ۱۸ آیه سوره حجرات، را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود.



نمودار کلی بسامد کارکرد نقش‌های زبانی در الگوی ارتباطی سوره حجرات

۷. فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. امین، نصرت‌بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، ۱۵ جلد، [بی نا] [بی جا]، چاپ: ۱
۲. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸ جلد، تهران، انتشارات لطفی.
۳. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.
۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، بیروت، دار الكتاب العربي.
۵. صدر، رضا (۱۳۷۹). تفسیر سوره حجرات، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. صفوی، کورش (۱۳۸۰). از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات حوزه هنری.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ه). ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ه). مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۹. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ۱۵ جلد، قاهره، نهضة مصر.
۱۰. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۱۱. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ه). تفسیر عاملی، ۸ جلد، چاپ: ۱، تهران، کتابفروشی صدوق.
۱۲. علوان، نعمه‌الله بن محمود (۱۹۹۹م). الفواتح الإلهیة و المفاتح الغیبیة: الموضحة للكلمة القرآنیة و الحكم الفرقانیة، ۲ جلد، قاهره، دار رکابی للنشر.
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ه). تفسیر نور، ۱۰ جلد، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۴. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق). زبدة التفاسیر، ۷ جلد، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۵. (۱۳۳۶ه). منهج الصادقین فی إلیزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۱۷. مقدادی، بهرام (۱۳۸۷). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، چاپ اول، تهران، فکر روز.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۱۹. مکاریک، ایرنا (۱۳۸۵). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، نشر آگاه.
۲۰. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ه). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، ۶ جلد، قم، موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
۲۱. یاکوبسن، رومن (۱۳۸۰). ساختگرایی و پساساختگرایی و مطالعات ادبی (مجموعه مقالات)، ترجمه به سرپرستی فرزانه سجودی، چاپ اول، تهران، انتشارات حوزه هنری.